

پاورقی (۵۹)

زن یرتکلف

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسگری



مانو

از آن پس، او دوش‌به‌دوش اعضای دفتر سیاسی می‌نشست که کل کشور را مدیریت می‌کردند. در یک چشم‌به‌هم‌زدن مثل یک جادو تمام آن دلخوری‌ها و چرت‌زدن‌ها از بین رفت. شد یک شخصیت رسمی که به‌آسانی نمی‌شد از او در گذشت. حالا امکان آن را داشت که از هرچه از سال‌ها پیش نگران بود، خلاص شود؛ به‌خصوص انتقام‌گرفتن از «وانگ گانگمای» که جای او را گرفته و بانوی اول کشور شده بود. بعد از کنارزدن لنش‌واوچی، بلافاصله حدود ۳۰۰ هزار نفر را در یک جا گرد آورد و در آنجا توهین‌ها و الفاظ زشتی را علیه همسرش گانگمای به کار برد. گانگمای زن پرتکلفی بود که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و روسی صحبت می‌کرد. حتی از دانشگاه پکن در رشته فیزیک اتمی لیسانس گرفته بود. اتهاماتی را که علیه او مطرح می‌کرد، مهم بود. گفت گانگمای پست‌فطرت است، در جریان سفرش به اندونزی دامن چینی سنتی و رنگارنگ پوشیده. حتی بیش از این، گفت از گردنبند داشته‌ا و این گردنبند ملکه بوده است؛ «قبل از رفتن به اندونزی با من ملاقات کرد. در آن زمان من بیمار بودم؛ در شانگهای، به من گفت می‌خواهد در این سفر گردنبند و دامنی گلدار ببوشد. به او گفتم می‌تواند با خودش چند دامن ببرد. اما به او توصیه کردم دامن سیاه رنگ بپوشد. به او گفتم از انداختن گردنبند پرهیز کند، چون او یک عضو حزب کمونیست است». اما به گفته او، آن زن پراداداپطور که رفتارهای عجیبی داشت، به او دروغ گفته بود. چون به او قبول داده بود در سفرش به آسیای جنوب شرقی گردنبند نیانداز. چینگ بر این باور بود که او مجازات خواهد شد؛ وقتی به‌دنبال دامن‌هایی بودم که او گفته بود از پوشیدن آنها اکراه دارد، به نوار ضبط‌شده‌ای از سفر گانگمای دست پیدا کردم. این دلیل روشن خیانت اوست و نمی‌تواند انکارش کند. چیزی که در آن فیلم بدون تردید وجود دارد، اینکه همسر رئیس دولت ما در یکی از شب‌ها در جاکارتا گردنبند دارد.

ادامه دارد...

تک خبر

به تلافی حمله حوثی‌ها به نجران

عربستان «صعده» را بمباران کرد

● تنها ساعتی پس از حمله حوثی‌ها به «نجران» عربستان، جنگنده‌های ریاض حملات شدیدی را به استان «صعده» آغاز کردند؛ حملاتی که به گزارش خبرگزاری یمن، تاکنون حدود ۵۰ بمبی را کشته و بیش از یک هزار نفر را زخمی کرده است. بنا بر گزارش منابع یمنی، حملات نیمه‌شب سه‌شنبه و صبح چهارشنبه به صعده، شدیدترین حملات عربستان به یمن از آغاز حملات به این کشور است. تا لحظه تنظیم خبر، ریاض ۳۰ بار اهدافی را در صعده و «حجه» در نزدیکی مرز عربستان با یمن را هدف گلوله‌های خود قرار داده است. بعد از حملات متعدد ریاض، نجران بار دیگر هدف حمله خمپاره‌ای حوثی‌ها قرار گرفت. این حملات پس از آن آغاز شد و شدت گرفت که «احمد عسیری»، سخنگوی عملیات عربستان، گفت ریاض پاسخ اصابت چند خمپاره به نجران را خواهد داد. اما حوثی‌ها پس از سخنان ضدایرانی «ملک‌سلمان» پادشاه عربستان، که خواستار ایستادن کشورهای عربی در برابر ایران شد، از داخل مرز یمن به سوی شهر نجران در امتداد مرز این کشور خمپاره و راکت شلیک کرده‌اند. در این حملات، دست‌کم سه شهروند غیرنظامی عربستان سعودی کشته شدند. همچنین به گفته رئیس یکی از قبایل مناطق مرزی یمن، حوثی‌ها تعدادی از سربازان عربستان را به اسارت گرفته‌اند. طبق این گزارش، مقامات وزارت دفاع عربستان سعودی هنوز به خبر اسارت سربازان این کشور واکنش نشان نده‌اند.

خواسته سلمان از هم‌پیمانان منطقه‌ای

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ملک‌سلمان، سه‌شنبه در اشاره‌ای غیرمستقیم اما روشن به ایران، از نیاز به رویارویی با تهدیدی خارجی که «هدف آن گسترش کنترل و سلطه‌جویی» بر منطقه است، سخن گفت. «فرانسا اولاند»، رئیس‌جمهور فرانسه، که اولین رهبر غربی بود که در نشست شورای همکاری خلیج‌فارس شرکت کرده، در این نشست گفت: فرانسه در کنار این کشورها می‌ایستد. او ادامه داد: فرانسه خطراتی که منطقه را تهدید می‌کند، درک می‌کند و او آماده است تا «بر تعهد فرانسه برای ایستادن کنار» این کشورها تأکید کند. در همین حال، الجزیره نیز گزارش‌اش داد «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، امروز برای گفت‌وگو درباره ارسال کمک‌های بشردوستانه به ریاض سفر و با مقام‌های عربستانی دیدار می‌کند. طبق گزارش سازمان ملل متحد، از آغاز حمله عربستان به یمن در ۱۹ مارس، حدود یک‌هزارو ۲۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی شدند. همچنین طبق پیش‌بینی‌ها بیش از ۳۰۰ هزار یمنی به‌دلیل شدت درگیری‌ها آواره شده‌اند.

همین چند ماه پیش بود که بریتانیا، غزه را حفظ اسکاتلند و با اتکا به آنچه انسجام جزیره می‌خواند، برای برگزاری انتخاباتی عمومی، سر از پا نمی‌شناخت. همین چند هفته پیش نیز کمتر کسی انتظار بازگشت شیخ عدم مشروعیت دولتی ائتلافی را می‌کشید که آخرین بار بیش از ۹۰سال پیش دامن‌گیر مجلس عوام بریتانیا شده بود، اما امروز، اگر فرصتی دست داد، کافی است به حوزه‌های رأی‌گیری در سرتاسر برتانیا، از ولز و اسکاتلند تا انگلیس و ایرلند شمالی سری بزنید تا به‌جای‌گوش‌سپردن به مباحثات معمول انتخاباتی پیرامون اقتصاد، مسکن، مهاجرت و سیاست‌خارج، از فرط تکرار یک کلمه به کسالت بپایید: مشروعیت. مردم بریتانیا امروز در حالی برای انتخاب ۶۵۰ عضو پارلمان راهی صندوق‌های رأی شده‌اند که به نظر می‌رسد کلاف پیچیده وست‌مینستر، حتی با ددنان نیز بازشدنی نیست؛ گره‌ای که بیش از آنکه محصول رقابت شانه‌به‌شانه دو حزب اصلی، یعنی کارگر و محافظه‌کار باشد، زائیده نقش‌تعیین‌کننده همان دست از رأی‌دهندگان اسکاتلندی است که قریب‌به ۹ ماه پیش پیام‌آور اتحاد جزیره بودند. نتایج آخرین نظرسنجی‌های رسمی، در حالی حاکی از پیشتازی یک‌درصدی محافظه‌کاران نسبت‌به حزب کارگر است که حتی چشم‌انداز تشکیل‌نشدن دولتی اکثریتی نیز هیچ‌کدام از رهبران دو حزب را نسبت‌به ایده ائتلاف نرم نکرده است. «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر محافظه‌کار کنونی بریتانیا، درست مانند هم‌های خود در حزب کارگر، «اد میلیبند»، از هیچ فرصتی برای رد احتمال تشکیل دولتی ائتلافی فروگذار نمی‌کند، با وجود این و در شرایطی که کرسی‌های پیش‌بینی‌شده دو حزب، فاصله بسیار زیادی با تعداد حداقلی ۳۲۳ کرسی‌ای دارد که با نظر به کنارکشیدن حزب «شین‌فین» ایرلند، برای تشکیل دولت لازم است، به نظر می‌رسد بریتانیا برای گریز از تشکیل دولتی حداقلی یا برگزاری مجدد انتخابات، تنها یک گزینه پیش‌رو دارد: تشکیل دولتی ائتلافی به رهبری حزب کارگر که حالا اگر به پشتیبانی لیبرال‌دموکرات‌ها نیازی نداشته باشد، قطعاً مستلزم ائتلاف میلیبند و یارانش با حزب ملی اسکاتلند است، اما مسئله مشروعیت بیش از آنکه به راستی و درستی تشکیل یک دولت ائتلافی حداقلی بازگردد، برآمده از معضلی ملی است. اگر دولت حداقلی از دهه ۲۰۱۹ میلادی به این سو، در بریتانیا منسوخ شده بود، دولت ائتلافی پدیده‌ای به‌شدت زنده است.

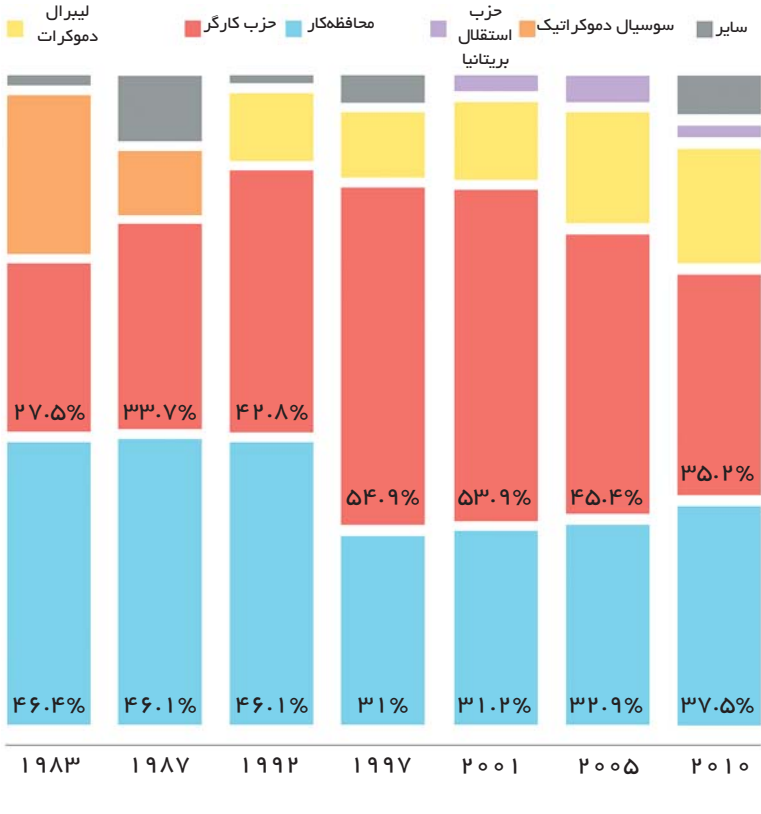
شاهد این مدعا نیز دولت کنونی این کشور به رهبری محافظه‌کاران است که اگر مجموع آرای

رقابت فشرده «دیوید کامرون» و «اد میلیبند» در انتخابات پارلمانی بریتانیا

در جست‌وجوی مشروعیت

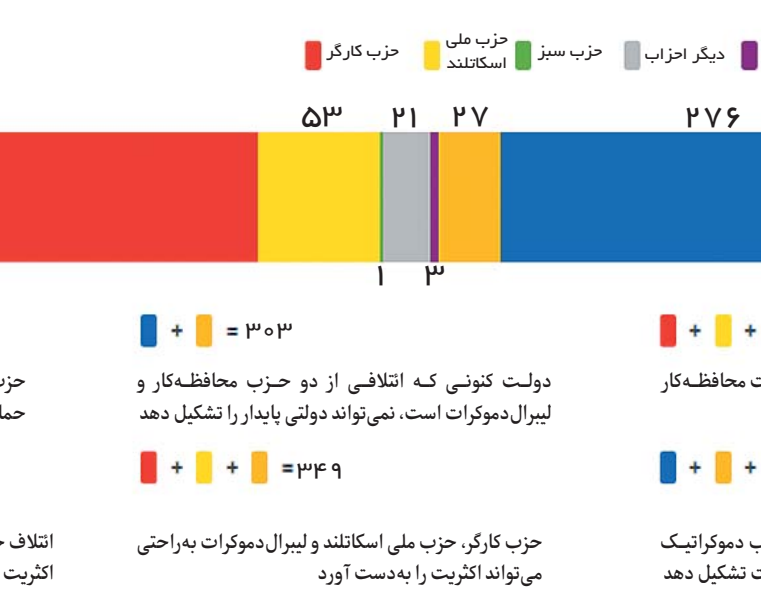


عکس Reuters



پیش‌بینی‌شده آنها با لیبرال‌دموکرات‌ها، کفاف تشکیل دولتی ائتلافی را می‌داد، موضوع مشروعیت دیگر محلی از اعراب نداشت، اما اکنون که براساس نظرسنجی‌ها، دولتی ائتلافی به رهبری حزب کارگر، تنها گزینه ممکن می‌نماید، انگ عدم‌مشروعیت از دو ناحیه بر این دولت فرضی فرود آمده است؛ یکی

تعداد کرسی احتمالی هر حزب بر پایه آخرین نظرسنجی



حزب کارگر، حزب ملی اسکاتلند و لیبرال‌دموکرات به‌راحتی می‌تواند اکثریت را به‌دست آورد

کامرون زیر فشار چپ میانه و ملی‌گرایان جزیره

هرچند به‌دلایل منطقی، فعلا اتحاد با حزب «استقلال اسکاتلند» را رد کرده است، ولی در فردای اعلام نتایج، در صورت پیروزی، اولین گزینه ائتلافی آنان همین حزب، حزب «ملی» ولز و حتی حزب سیزها خواهند بود. البته برای حزب کارگر، ائتلاف با حزب لیبرال‌دموکرات به‌عنوان یک متحد بالقوه نیز منطقی نبوده و آنان برای ائتلاف در عرصه سیاسی بریتانیا، راه باز و سهل‌تری نسبت به رقیب اصلی خود دارند.

انتخابات این دوره پارلمانی در بریتانیا، بیشتر به رینگ‌بوکس شباهت دارد که کامرون در یک گوشه آن باید هم‌زمان با چند بوکسور قدرتمند دست‌وپیچ نرم کند.

پیام «نیکلا استرجن»، رهبر حزب قدرتمند محلی استقلال اسکاتلند، به میلیبند برای اتحاد، خلاف عدم پذیرش آن از طرف رهبر حزب کارگر، یک گزینه عینی و واقعی است که از هم‌اکنون مدنظر دو طرف قرار دارد. دلیل واقعی اینکه میلیبند در این‌مقطع این اتحاد را رد کرده است، بیش از آنچه به فرجام نهایی کارزار ارتباط داشته باشد، ناشی از محاسبات منطقه‌ای در اسکاتلند است که بیش از دوسوم آرای این منطقه به صورت سنتی همیشه بین این دو حزب تقسیم شده و آنان در این حوزه، رقبای اصلی همدیگر هستند. این درحالی است که گرایش چپ میانه در حزب استقلال اسکاتلند با برنامه‌های حزب کارگر انطباق دارد و تنها تفاوت مشخص آنان در تمایلات استقلال‌طلبانه، طرف اسکاتلندی است که سال گذشته حتی تا مرز وزن‌کشی نیز پیش رفت و با اختلاف ۱۰ درصدی شکست خورد. حتی حزب ملی‌گرای ولز نیز در زمره احزاب چپ میانه قرار می‌گیرد و به‌لحاظ پلت‌فرم حزبی و

اتحادطلب اسکاتلندی و ایرلندی سربر آورده و حتی اگر خلاف دولت حداقلی و ائتلافی رمزی مک‌دونالد در ابتدای دهه ۲۰، بیش از ۱۰ماه دوام بیاورد، بدون شک موجد تردیدهایی جدی درباره مشروعیت دموکراتیک دولت خواهد بود. این در حالی است که اگر وسوسه قدرتی اکثریتی، گریبان میلیبند را گرفته و او را وادار کند خلاف وعده پیشین خود با حزب ملی اسکاتلند وارد ائتلاف شود، نخست‌وزیر آتی بریتانیا باید پاسخ‌گوی اکثریت عظیمی از رأی‌دهندگان باشد که به‌شدت مخالف تأثیرگذاری نمایندگان اسکاتلندی بر روند تصمیم‌گیری‌های دولتی هستند. آخرین نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارند اکنون که سرتوشت دولت آینده به عزم رهبران حزب ملی اسکاتلند برای ورود به دولتی ائتلافی وابسته است، بیش از ۷۰ درصد رأی‌دهندگان انگلیسی و ولزی مخالف امکان تصمیم‌گیری نمایندگان استقلال‌طلب اسکاتلندی درباره سیاست‌ها و قوانینی هستند که بر اسکاتلند کمترین تأثیری نخواهد داشت. درنتیجه بی‌جهت نیست که تنها یک روز تا برگزاری انتخابات، «نیکولا استرجن»، رهبر حزب ملی اسکاتلند، بار دیگر لب به انتقاد از رویکرد دوگانه لندن گشود. او با اشاره به اینکه رهبران بریتانیایی سال گذشته با عجز و لایه از مردم اسکاتلند خواستند به جای باشند، چالش‌های کنونی در برابر مشروعیت رأی اسکاتلندی‌هایی که امروز تصمیم گرفته‌اند به نصیحت همسایگان انگلیسی خود گوش دهند را به‌شدت محکوم کرد. این در حالی است که «نیک کلگ»، رهبر حزب لیبرال‌دموکرات، نیز با اشاره به بن‌بست موجود و احتمال روی‌کارآمدن یک دولت اقلیتی بی‌ثبات، برگزاری مجدد انتخابات تا پایان سال جاری را محتمل دانسته است. او خاطرنشان کرده هر لیبرال‌دموکراتی که به مجلس عوام راه یابد، قادر خواهد بود در سایه جلوگیری از ورود نمایندگان حزب استقلال بریتانیا و حزب ملی اسکاتلند و همچنین جلوگیری از اعمال سیاست‌های متناقض دو حزب پیشرو، آینده‌ای بآب‌اتر و کشوری متحدتر به ارمغان آورد. دراین‌میان، شاید میلیبند تنها رهبری بود که در آخرین سخنان خود بیش از گشایش صندوق‌ها، در گبرودار حساب و کتاب‌های انتخاباتی نبود. او از رأی‌دهندگان بریتانیا خواست اگر می‌خواهند با اصلاح سیاست‌های مالیاتی و حفاظت از نظام بهداشت و درمان بریتانیا، ثروتمندان را نیز در تحمل سختی‌ها و باری که بر دوش کارگران و طبقه متوسط این کشور است، سهیم کنند، به حزب کارگر رأی دهند؛ «بندای که شاید امروز در گرو جابه‌جایی فقط چندصد رأی باشد.

نگاه

مداخله نظامی عربستان در یمن و نگرانی‌های منطقه‌ای



میثم بهروش

● مداخله نظامی ۹ کشور عربی به رهبری عربستان سعودی در یمن، از همان آغاز حملات هوایی در اواخر ماه مارس، واکنش شدید ایران را در پی داشته است. مقامات ایران هم‌زمان با پیگیری اقدامات دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها، تلاش کرده‌اند با هشدارهای جدی درباره عواقب وخیم تشدید بحران مانند گسترش ناامنی‌ها به داخل خاک عربستان و حتی «سقوط آل‌سعود» و نیز پیش‌بینی «شکست قطعی» مداخله‌گران، ریاض و هم‌پیمانانش را از ادامه اقدام نظامی منصرف کنند. این واکنش‌ها با توجه به جایگاه نه‌چندان فرادستی یمن در استراتژی امنیت ملی ایران و موقعیت جغرافیایی آن -که به واسطه عمان فاصله قابل‌توجهی از مرزهای آبی ایران داشته و در واقع حیاط خلوت عربستان به‌شمار می‌رود- شاید اندکی اغراق‌آمیز به نظر آیند، اما حاکی از نگرانی‌هایی عمیقی هستند. تحلیل‌هایی از این‌دست بر تصویری تک‌ساحتی از سیاست خارجی ایران استوارند و برخی از لایه‌های زیرین و ابعاد کلیدی به‌ویژه جنبه «سلبی» یا بازدارندگی آن را نادیده می‌گیرند. با توجه به پرهزینه‌بودن هم‌پیمانی با یمن، به‌منزله کشوری بسیار فقیر و درگیر جنگ داخلی، می‌توان گفت حمایت از شیعیان حوثی بیش از آنکه کامی برای گسترش نفوذ در منطقه باشد، تلاشی استراتژیک برای «تحدید» عربستان و تحرک‌های تهاجمی آن در منطقه، به‌ویژه در قبال بحران سوریه است. به قدرت‌رِسیدن حوثی‌ها در یمن تا حد زیادی ریاض را مشغول مقابله با چالش‌های احتمالی ناشی از همسایه جنوبی خود کرده و پیشبرد سیاست‌های آن در منطقه از قبیل حمایت از مخالفان «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه، در دمشق و گروه‌های سنی افراطی در عراق را کندتر می‌کند. عربستان از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ در کنار ترکیه و قطر، جزء بزرگ‌ترین حامیان دیپلماتیک، مالی و بعدها تسلیحاتی گروه‌های مخالف اسد بوده و سرسختی قابل‌تأملی در مقابل گفت‌وگوهای آشتی ملی بین حکومت و مخالفان به خرج داده که یکی از نمونه‌های آن، مخالفت با حضور ایران در گفت‌وگوهای صلح است. ناگفته پیداست هدف نهایی چنین سیاستی، نه بازگشت صلح و ثبات به سوریه، بلکه تضعیف ایران و روابط آن با هم‌پیمانانش در دیگر نقاط خاورمیانه، از طریق حذف دولت بشار اسد یا هر دولت دیگر به‌مثابه یک حلقه ارتباطی است. «فاکتور سوریه» در بحران یمن نیز مشهود است. اگر مداخله نظامی اعراب به رهبری ریاض در یمن پیروز شده و به اهداف خود برسد، عربستان و هم‌پیمانانش ممکن است تشویق به تکرار چنین تجربه‌ای در نقاط دیگر خاورمیانه ازجمله سوریه نیز شوند. نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر سه رقیب اصلی ایران در منطقه یعنی ترکیه، عربستان و قطر از آغاز بحران یمن و با وجود اختلافات بسیار -مانند مسئله اخوان‌المسلمین- بر این نگرانی‌ها صحه می‌گذارد. به گزارش روزنامه «هافینگتون‌پست»، در ۱۲ آوریل ۲۰۱۵، عربستان و ترکیه که دو قدرت سنی و رقیب دیرینه در خاورمیانه به‌شمار می‌آیند، مدتی است مذاکراتی را در سطوح عالی و با میانجیگری قطر برای ایجاد اتحادی نظامی با هدف سرنگونی حکومت اسد در سوریه آغاز کرده‌اند. به‌گفته یکی از مقامات شرکت‌کننده در این مذاکرات، اگر گفت‌وگوها بین ریاض و آنکارا با موفقیت پیش رود، مداخله نظامی در سوریه بدون توجه به حمایت با عدم حمایت آمریکا عملی خواهد شد. دیدار «رجب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، با «ملک‌سلمان»، پادشاه جدید عربستان، در ریاض در دوم مارس و بیانیه مشترک آنها مبنی بر افزایش کمک به مخالفان سوری را در این‌راستا می‌توان تحلیل کرد. جالب آنکه هم‌زمان یعنی در ماه‌های اخیر، گروه‌های مخالف بشار اسد موفقیت‌های قابل‌توجهی را در مناطق شمال غربی سوریه و نیز حومه دمشق به دست آورده‌اند که نشان از کاهش اختلافات و افزایش هماهنگی‌ها بین حامیان آنها به‌ویژه آنکارا و ریاض دارد.

خبر

جایزه ۲۰میلیون دلاری برای رهبرداش

● آمریکا برای هرگونه اطلاعاتی در مورد چهار نفر که از آنها به‌عنوان رهبران گروه تروریستی نام برده، در مجموع ۲۰ میلیون دلار جایزه تعیین کرده است. به گزارش «بی‌بی‌سی»، این افراد «عبدالرحمن مصطفی القادولی»، «ابو محمد العبدانی»، «ترخان تیمورزویچ باتیراشوولی» و «طارق الحزری» هستند. وزارت خارجه آمریکا تا هفت میلیون دلار برای القادولی جایزه گذاشته است. جایزه تعیین‌شده برای عدنانی و باتیراشوولی هریک پنج میلیون دلار و سه میلیون دلار هم برای حزری در نظر گرفته شده است. اعلام این خبر کمی پس از آن صورت گرفته است که گروه تروریستی داعش اعلام کرد حمله به نمایشگاه شهر دالاس آمریکا کار این گروه بوده است.